

قدس از نگاه قرآن و عهدین

عباس اشرفی*

دکتری علوم قرآن و حدیث

(تاریخ دریافت: 1390/05/17، تاریخ تصویب: 1390/05/28)

چکیده

قدس همواره مورد منازعه‌ی پیروان سه دین یهود، مسیحیت و اسلام بوده است. این مقاله بیان‌دارنده‌ی نتیجه‌ی پرسش «چگونگی جایگاه قدس در سه کتاب قرآن، عهد قدیم و عهد جدید» با روش تطبیقی (مقارنته‌الادیان) می‌باشد و ضمن واژه‌شناسی قدس و اسامی دیگر آن، به توصیف قدس در عهد قدیم، عهد جدید و قرآن پرداخته، آنگاه در پایان دیدگاه‌های مطروحه مقایسه گردیده است و به نتیجه‌گیری پرداخته است. نگاه عهد قدیم به قدس (اورشلیم) نگاهی حدوداً مثبت، نگاه عهد جدید، نگاهی منفی و نگاه قرآن نگاهی کاملاً مثبت همراه با توصیف بیشتر نسبت به عهد قدیم می‌باشد. در آموزه‌های قرآنی قدس با توصیف‌هایی چون سرزمین برکت و مبارک، سرزمین آبادانی، قبله‌گاه بودن، مسکن صدق و سرزمین معراج آمده است.

واژگان کلیدی: قدس (اورشلیم)، عهد قدیم، عهد جدید، قرآن، بررسی تطبیقی.

*. E-mail: Br_a_ashrafi@yahoo.com

مقدمه

قُدس بر فراز تپه‌هایی بنا گردیده که از سه جهت جلگه بر آن محیط است. معبدی بر بالای کوه صهیون و کوه زیتون آن را احاطه نموده‌اند (حمیدی، 1388: 37). این شهر مقدّس در فاصله‌ی 14 مایلی جنوب دریای مرده و 33 مایلی شرق مدیترانه قرار داشته و 13800 پا از سطح دریا ارتفاع دارد (دایرة‌المعارف کتاب مقدّس، 1388: 766). این شهر علاوه بر جایگاه طبیعی و جغرافیایی، از نظر دینی نیز اهمّیت ویژه‌ای دارد. قُدس شهری تاریخی و قدیمی است که تاریخ آن به عصر ماقبل تاریخ برمی‌گردد (انطوان، 2000 م: 78). قُدس پایتخت فلسطین است و فلسطین ارتباطی حقیقی و عجین‌شده با جغرافیا، تاریخ، تمدّن و تبارهای منطقه دارد (همان).

جایگاه ویژه‌ی قُدس موجب آن شده است که بیروان ادیان سه‌گانه‌ی یهودیت، مسیحیت و اسلام، خواهان سیطره بر آن باشند و برخی از بیروان این ادیان، خواهان سیطره‌ای هستند که همراه با مالکیت باشد. به‌نظر می‌رسد در این مناقشه، حق با طرفی است که جایگاه آن را رعایت کرده باشد.

این مقاله با روش تطبیقی (مقارنّة الأدیان) در پی پاسخ به سؤال «چگونگی بیان تقدّس در عهد قدیم، عهد جدید و قرآن» است؛ از این رو، مقاله از بخش‌های زیر تشکیل شده است:

الف) واژه‌شناسی قُدس.

ب) قُدس در عهد قدیم.

ج) قُدس در عهد جدید.

د) قُدس در قرآن.

هـ) مقایسه و نتیجه‌گیری.

الف) واژه‌شناسی قُدس

قُدس اسمی است که مسلمانان بر شهر اورشلیم بعد از پیروزی در سال 635 میلادی بر آن نهادند (همان). شهر قُدس در ادوار مختلف تاریخی با نام‌هایی چون یبوس، ایلیا، اورشلیم، بیت‌المقدّس، مدینة‌القدس، مدینة‌العدل، المدینه و ... مشهور بوده است. در ذیل به برخی از این اسامی اشاره می‌شود.

1- یبوس

یبوس، اولین اسم این شهر است. اولین بار در تاریخ، قبایل یبوس از کنعانیان که از شبه جزیره‌ی عرب در مطلع هزاره‌ی سوم قبل از میلاد کوچ نموده و در سوریه و فلسطین ساکن شدند (به همین علّت سرزمین فلسطین، سرزمین کنعان نامیده شد) و در آن تمدّن درخشان ایجاد نمودند و شهرهای فراوان و آبادی تأسیس کردند که یبوس (قُدس) و شکیم (نابلیس) از جمله مهم‌ترین آن بودند (عبدالحمید عراقی، 2009 ق: 28).

2- اورشلیم

برای اولین بار در تاریخ، اسم یبوس بر قُدس نهاده شد. سپس به اسم اوروسالم - به سبب إله‌ی سالم (خدای سلام) نزد کنعانی‌ها - شناخته شد (همان). قدیمی‌ترین اشاره به اورشلیم در الواح تل‌العماریة (1450 م.) یافت می‌شود که به صورت اورو-سا- لیم آمده است و این اسم با آثار آشوری از قرن هشتم «اور-سا- لی-إمو» موافق است. قدیمی‌ترین شکل‌های این اسم که با این نظر موافق است، در کتاب مقدّس به صورت یوروشالیم و یا به اختصار سالیم یا شالیم آمده است (دایرة‌المعارف الکتبیه، ج 1، 1996 م: 511) و چه بسا که معنای این واژه «اساس السلام» یا «اساس إله شالیم» باشد (بی‌نام. قاموس الكتاب المقدس، بی تا، ص 129).

ریشه‌ها و معانی دیگری نیز برای اورشلیم ذکر شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

- اورشلیم ترکیبی از دو واژه‌ی اور و شلیم است. اور در عبری به معنای آتش، روشنایی، مقدّس و شلیم به مفهوم شهر، صلح، سلامتی و آرامش ذکر شده است و بر روی هم اورشلیم به معنای شهر مقدّس، شهر روشنایی، شهر صلح و آرامش و همچنین، میراث مقدّس است (هاکس، 1377: 134 و 118).

- اورشلیم (شهر یا میراث سلامتی) اولین شهر فلسطین است و شهری مقدّس که واژه‌ی اطلاق شده بر آن، ریشه‌ی سامی و عبری داشته و معنای لغوی آن صلح است (دائرةالمعارف کتاب مقدّس، 1381: 766).

- اورشلیم به معنای شهر سلامتی می‌باشد. این شهر توسط داود از بیوسیان گرفته شد و پایتخت اسرائیل و جایگاه معبد یهود گردید. از نظر مسیحیان، اورشلیم نوین هنگامی خواهد آمد که دنیای قدیم به اتمام برسد (بی نام. یوحنا‌ی رسول. بی تا: 171)

3- ایلیا

نام ایلیا تا زمان ظهور اسلام، بر شهر باقی ماند و به تدریج اسامی بیت المقدّس، بیت المقدّس و ... بر آن اطلاق شد (حمیدی، 1388: 16).

4- بیت المقدّس

بیت المقدّس به معنای مکان پاک از گناهان است که از قُدس به معنای پاکی و برکت مشتق شده است (المنهاجی، 1426، ج 1: 94).

پس معنای بیت المقدّس، مکانی است که از گناهان پاک باشد و نیز به مکان مرتفع پاک از شرک نیز گفته می‌شود. بیت المقدّس به معنای پاک می‌باشد و پاک بودن آن به خاطر نبودن

بُت‌ها در آن است (همان). منهای، معنای بیت‌المقدس و اورشلیم را یکی می‌داند. ایشان در معنای اورشلیم می‌گوید: «سلم به معنای کثرت سلام ملائکه در آن است که اصل آن شَلْم است که معنای آن در عبری بیت‌السلام است و معنای اُرْشَلِیم، خانه‌ی خداست. به بیت‌المقدس، زیتون نیز می‌گویند» (همان).

ب) قدس در عهد قدیم

در کتاب *داوران*، از قدس به اورشلیم و بیوس نام می‌برد: «آنها پیش از غروب به اورشلیم که بیوس هم نامیده می‌شد، رسیدند» (*داوران*، 19:10) و در کتاب *پیدایش* از آن به سالیام نام می‌برد.

هنگامی که ابرام کدر لاعمر و پادشاهان هم‌پیمان او را شکست داده، مراجعت می‌نمود، پادشاه سدوم تا دره‌ی شاوله به استقبال ابرام آمد. همچنین، ملک صادق، پادشاه سالیام (اورشلیم) که کاهن خداوند متعال بود، برای ابرام، نان و شراب آورد. آنگاه ملک صادق، ابرام را برکت داد (*پیدایش* 14: 19-17). در عهد قدیم این شهر به صورت‌های زیر توصیف شده است:

1- مکان مقدس

در *مز/میر* آمده است: «خداوند از مکان مقدس خود، برایت کمک بفرستد و از کوه صیهون تو را حمایت کند» (*مز/میر* 20: 20) و نیز آمده است: «اینک می‌دانم که خداوند از مکان مقدس خود در آسمان، دعای پادشاه برگزیده خود را اجابت می‌کند و با نیروی نجات‌بخشی خویش او را می‌رهاند» (*مز/میر* 20: 6) نیز آمده است: «خداوند، بزرگ است و او را باید در کوه مقدسش در اورشلیم ستایش کرد» (*مز/میر* 48: 1) و نیز در عظمت خداوند آمده است: «خداوند در اورشلیم جلوس فرموده و بر تمام قوم‌ها مسلط است، همه‌ی مردم دنیا نام بزرگ او را گرامی بدارند؛ زیرا او مقدس است» (*مز/میر* 99:

(3-2).

2- شهر مبارک

در پیشگویی‌های اشعیاء، بعد از توصیف آینده‌ی پُرشکوه اورشلیم می‌گوید: «ای مردم اورشلیم! شما قوم مقدّس خدا و نجات‌یافتگان خداوند نامیده خواهید شد و اورشلیم شهر محبوب خدا و شهر مبارک خداوند خوانده خواهد شد» (اشعیاء 62: 12).

در *مز/میر آمده است*: «خداوند را ستایش کنید، ای همه‌ی خدمتگزاران خداوند که شبانگاه در خانه‌ی خداوند خدمت می‌کنید، دست‌های خود را به پیشگاه خداوند برافرازید و او را پرستش کنید. خداوند که آسمان و زمین را آفرید، شما را از صهیون برکت خواهد داد» (*مز/میر 134: 1-3*).

3- شهر آخرالزمان

در روزهای آخر، کوهی که خانه‌ی خداوند بر آن قرار دارد، بلندترین قلّه‌ی دنیا محسوب خواهد شد و مردم از سرزمین‌های مختلف به آنجا روانه خواهند شد. آنان خواهند گفت: «بیاید به کوه خداوند که خانه‌ی خدای اسرائیل در آن قرار دارد، برویم تا او قوانین خود را به ما یاد دهد و آنها را اطاعت کنیم؛ زیرا خداوند دستورات خود را در اورشلیم صادر می‌کند.

خداوند به جنگ‌های بین قوم‌ها خاتمه خواهد داد و آنان شمشیرهای خود را به گاو آهن و نیزه‌های خود را به اژه تبدیل خواهند کرد. قوم‌های دنیا دیگر به فکر جنگ نخواهند بود. ای نسل یعقوب! بیاید در نور خدا راه برویم» (اشعیاء 2: 5).

4- سرزمین مردمان ناسپاس

در کتاب اشعیاء آمده است: «خداوند قادر متعال بزودی رزق و روزی اورشلیم و یهود را قطع خواهد کرد و بزرگان مملکت را از میان برخواهد داشت. قحطی نان و آب خواهد شد» (اشعیاء 3: 1) و در ادامه، علت آن را ناسپاسی ذکر می‌کند: «آری اورشلیم نابود خواهد شد و یهودا از بین خواهد رفت؛ زیرا مردم بر ضدّ خداوند سخن می‌گویند و عمل می‌کنند و به حضور پر جلال او اهانت می‌نمایند» (همان: 8). نیز در کتاب اشعیاء آمده است: «وای بر تو ای اورشلیم! ای شهر داود! در سال قربانی‌های زیادتری به خدا تقدیم میکنی؛ ولی خدا تو را سخت مجازات خواهد کرد و تو را که به قربانگاه خدا مشهور هستی، به قربانگاهی پوشیده از خون تبدیل خواهد کرد» (اشعیاء 29: 1-2). همچنین در کتاب ارمیاء آمده است: «خداوند میفرماید: تمام کوچههای اورشلیم را بگردید، بر سر چهارراهها بایستید، همه جا را خوب جستجو کنید، اگر بتوانید حتی یک شخص با انصاف و درستکار پیدا کنید، من این شهر را از بین نخواهم برد» (ارمیاء 5: 1). خداوند اورشلیم را بخاطر گناهان بسیارش تنبیه کرده است (مراثی 1: 5). نیز از زبان حزقیال آمده است: خداوند فرمود: این تمثیلات نشان‌دهنده‌ی بلاهایی است که بر شما اهالی اورشلیم خواهد آمد. چون از احکام و قوانین من رو برگردانیدید و از قومهای اطراف نیز بدتر شده‌اید...» (حزقیال 5: 5-7) و در جایی دیگر، این شهر را شهر جنایتکاران معرفی میکند (حزقیال 22: 2-5).

5- پایتخت پادشاهان

وقتی داود درگذشت، او را در شهر اورشلیم به خاک سپردند. داود چهل سال بر اسرائیل سلطنت نمود؛ از این چهل سال، هفت سال در شهر حبرون سلطنت کرد و سی و سه سال در اورشلیم. سپس سلیمان به جای پدر خود، داود، بر تخت نشست و پایه‌های سلطنت خود را استوار کرد (اول پادشاهان 2: 10-12؛ اوّل تواریخ 29: 26-27).

هرچند داود و سلیمان، اورشلیم را به‌عنوان پایتخت انتخاب نمودند و در آن سلیمان، بنا به سفارش داود، خانه‌ی خدا را بنا نمود؛ ولی منزلت این شهر را نمی‌توان موجب این کار دانست. چنانچه در سفر اوّل پادشاهان (8: 14-15) آمده است: «بعد پادشاه [سلیمان] رو به جماعتی که ایستاده بودند، کرد و ایشان را برکت داده، گفت: سپاس بر خداوند، خدای اسرائیل که آنچه به پدرم داود وعده داده بود، امروز با قدرت خود بجا آورد. او به پدرم فرمود: از زمانی که قوم خود را از مصر بیرون آوردم، تاکنون در هیچ‌جای سرزمین اسرائیل هرگز شهری را انتخاب نکردم تا در آنجا خانه‌ای برای حرمت من بنا شود؛ ولی داود را انتخاب کرده‌ام تا بر قوم من حکومت کند».

از این رو، در کتاب پادشاهان و تواریخ، تماماً درباره‌ی خانه‌ی خدا سخن رانده شده، نه درباره‌ی اورشلیم؛ ولی در فرمان کورش که برای بازگشت یهودیان صادر کرد، چنین آمده است: «من، کورش، امپراتور پارس اعلام می‌دارم که خداوند، خدای آسمان‌ها تمام ممالک را به من بخشیده و به من امر فرموده که برای او در شهر اورشلیم که سرزمین یهود است، خانه‌ای بسازم. پس از اتمام، یهودیانی که در امپراطوری من هستند، هرکس که بخواهد می‌تواند به آنجا بازگردد. خداوند، خدای اسرائیل همراه او باشد (دوم تواریخ 36: 33 و نیز عزرا 1: 2). در مزامیر نیز آمده است: «خداوند شهر اورشلیم را پایتخت تو قرار خواهد داد تا از آنجا بر دشمنانت حکمرانی کنی» (مزامیر، 110: 2).

6- شهر عبادت

داود دژ اورشلیم را تصرف کرد و آن را پایتخت خود ساخت (مقارن سال 1000 ق.م). وی تابوت عهد را نیز به اورشلیم منتقل نمود تا آنجا را عبادتگاه مهمی قباایل سازد، آنگاه دوران عظمت سلطنت وی آغاز گردید. داود نظم و ترتیبی خاص به آئین مذهبی بخشید (گرو، بیتا: 40).

در مزامیر آیاتی است که نشان‌دهنده‌ی شهر عبادت‌بودن اورشلیم است از جمله‌ی این آیات عبارتند از: «قبائل اسرائیل با اورشلیم می‌آیند تا طبق دستوری که خداوند به ایشان داده است، او را سپاس گویند و پرستش کنند» (مزامیر 122: 4)، «بنابراین وقتی قوما به اورشلیم گرد هم بیایند تا خدا را در خانه‌ی او پرستش کنند، نام خدا در اورشلیم ستوده و سرائیده خواهد شد» (مزامیر 102: 21-22).

ج) قدس در عهد جدید

قدس در عهد جدید صرفاً با واژه‌ی اورشلیم نام برده شده است. بیشترین نگاه عهد جدید به اورشلیم نگاه منفی و مذمت‌بار است و هیچ نسبتی را با مسیحیان برقرار نمی‌کند. با جمع‌بندی آیات مربوطه در عهد جدید، توصیف اورشلیم چنین می‌باشد:

1- شهر عبادت یهودیان

عیسی در جواب زن سامری که گفت: «چرا شما یهودیها اینقدر اصرار دارید که فقط اورشلیم را محلّ پرستش خدا بدانید؟»، جواب داد: زمانی میرسد که دیگر برای پرستش پدر نه به این کوه روی خواهم آورد و نه به اورشلیم. مهم این نیست که ما کجا را می‌پرستیم، بلکه مهم این است که چگونه او را پرستش میکنیم؟ آیا خدا را آن گونه که هست می‌پرستیم؟ خدا روح زندگیبخش است...» (یوحنا 4: 20-24).

پولس در نامه به عبرانیان می‌گوید: «اما سر و کار شما با این امور نیست، شما به چنین کوهی نزدیک نشده‌اید، بلکه مستقیماً به کوه صیهون و به شهر خدای زنده یعنی اورشلیم آسمانی آمده‌اید، شما وارد محفل شاد گروه بیشماری از گروه فرشتگان شده‌اید» (عبرانیان 12: 22). با توجه به دو سخن فوق‌الذکر به این نتیجه می‌رسیم که «مراد از شهر عبادت نزد مسیحیان، اورشلیم زمینی نیست، بلکه اورشلیم آسمانی است. در نظر مسیحیان نقش آن در نقشه‌ی الهی به گذشته تعلق دارد که معنای عمیق و پیردهی آن در عهد جدید باقی

می‌ماند» (لئون دوفور، بی‌تا، ج 3: 1233).

2- شهر پیامبرکُش

عیسی خرابی اورشلیم را پیشگویی می‌کند: «ای اورشلیم! ای اورشلیم! ای شهری که پیامبران را کُشتی و رسولان خدا را سنگسار کردی! چند بار خواستم فرزندان تو را جمع کنم، همانطور که مرغ جوجه‌های خود را زیر بال خود میگیرد؛ اما تو نخواستی» (متی 23: 37). در *انجیل لوقا* نیز آمده است: «ای اورشلیم! ای اورشلیم! ای شهری که کُشتارگاه انبیاء میباشی! ای شهری که انبیائی را که خدا به سویت فرستاد، سنگسار کردی! چند بار خواستم فرزندان را دور هم جمع کنم، همانطوری که مرغ جوجه‌هایش را زیر بال و پرش میگیرد؛ اما نخواستی، پس اکنون خانهاات ویران خواهد ماند و دیگر هرگز مرا نخواهی دید تا زمانی که بگویی: مبارک باد قدم کسی که به نام خداوند می‌آید» (لوقا 13: 34-35).

در عهد جدید، اورشلیم قدیم - یعنی اورشلیمی که یهودی است - و اورشلیم جدید - یعنی اورشلیمی که مسیحی است - در مقابل هم قرار گرفته‌اند. اولین کسی که بر جایگزینی اورشلیم قدیم توسط اورشلیم جدید - که در آسمان ریشه دارد - تأکید می‌ورزد، پولس رسول میباشد. این اورشلیم آسمانی، شهر خدای زنده - که اینک مسیحیان توسط تعمید به آن نزدیک شده‌اند - مسکن الهی است که در آن معبد ساخته نشده، به دست انسان یافت می‌شود. معبد زمینی فقط شبیه، سایه و تصویر آن بود.

در پایان عهد جدید، پایتخت اسرائیل، محلّ قدیمی استقرار یهوه بر زمین، دیگر ارزش یک تصویر را ندارد و زمانی که حادثه‌ی غم‌انگیز جدیدی که توسط عیسی پیشبینی شده بود، به انجام می‌رسد، وعده‌هایی که موقتاً در آن به امانت گذاشته بودند، به اورشلیم دیگری منتقل می‌شوند که هم اکنون و در جهت کمال نهائی، وطن همهی باز خریدشدگان

است: «اورشليم شهر آسمانی، رویای مبارک صلح» (با تلخیص از: لئون دوفور، بی‌تا، ج 3: 1233-1234).

د) قدس در قرآن مجید

در آموزه‌های قرآنی، قدس از جایگاه والائی برخوردار است، به طوری که در بیش از ده سیاق درباره‌ی قدس سخن به میان آمده است. در زیر با مروری اجمالی بر آیات مربوطه قدسیت قدس بیان شده است:

1. سرزمین پُر برکت و مبارک

در قرآن کریم، در مواردی از قدس به سرزمین مبارک نام برده شده است؛ به عنوان نمونه در جریان موسی (ع) آمده است: « وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَ مَغْرِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ » (اعراف / 137). ظاهراً مراد از أرض، سرزمین شام و فلسطین است. مؤید یا دلیل بر این معنا جمله‌ی بعدی است که می‌فرماید: « الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا » برای اینکه خداوند در قرآن کریم خود غیر از سرزمین مقدس که همان نواحی فلسطین است و غیر از کعبه هیچ سرزمینی را به برکت یاد نکرده است» (طباطبایی، 1374، ج 8: 292). و درباره‌ی سلیمان و داود آمده است: « وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ كُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ: و برای سلیمان، تندباد را [رام کردیم] که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم، جریان می‌یافت و ما به هر چیزی دانا بودیم» (انبیاء / 81).

در تفسیر نور الثقلین و تفسیر صافی آمده است که «إلى الأرض التي باركنا فيها قال إلى البيت المقدس و الشام» (فیض کاشانی، 1415 ق، ج 3: 350؛ عروسی حویزی، 1415 ق، ج 3: 466).

در قصه‌ی سبأ نیز آمده است: « وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً

وَ قَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لَيْالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ: و ما میان آنان و میان آبادانی‌هایی که در آنها برکت نهاده بودیم، شهرهای متصل به هم قرار داده بودیم، و در میان آنان مسافت را، به اندازه، مقرر داشته بودیم. در این [راه]ها، شبان و روزان آسوده بگردید» (سبأ / 18).

تفسیر طبری و تفسیر روح‌المعانی، قریه‌های مبارک شده را شام دانسته‌اند و آلوسی از قول ابن عباس آن را بیت‌المقدس ذکر می‌کند و طبری بدون ذکر قائل آن، آن را بیت‌المقدس ذکر می‌کند (آلوسی، 1415 ق، ج 11: 303؛ جریر طبری، 1412 ق، ج 22: 58).

2. سرزمین مقدس

قرآن در جریان داستان موسی می‌فرماید: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ: ای قوم من! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است، درآیید و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد» (مائده / 21).

در این آیه موسی به بنی اسرائیل دستور داده که داخل در سرزمین مقدس شوند و خود آن جناب از وضع آن پیشبینی کرده بود که از این دستور تمرد خواهند کرد» (طباطبایی، 1374، ج 5: 468). خدای سبحان در این آیه، سرزمین مورد نظر را به قداست توصیف کرده است و مفسرین مقدس بودن آن سرزمین را تفسیر کرده‌اند به سرزمینی که به خاطر سکونت انبیاء و مؤمنین در آن مطهر از شکر است، و در قرآن چیزی که این کلمه را تفسیر کند و به ما بفهماند چرا آن سرزمین مقدس است، وجود ندارد. (همان: 469). امین الدوله طبرسی به نقل از ابن عباس سدی و ابن زید این سرزمین مقدس را بیت‌المقدس می‌شمارد (طبرسی، 1372: 276).

3. سرزمین آبادانی و رونق

قرآن کریم از منطقه‌ی بیت‌المقدس گاهی به «قریه» تعبیر می‌کند و گاهی به «سرزمین مقدس» و گاهی نیز تعبیر به «سرزمین بابرکت» می‌کند؛ زیرا این منطقه هم از لحاظ معنوی متنعم و با برکت است، چون انبیاء زیادی از آن برخاستند و معبد آن به دست مبارک سلیمان بنا شده است و هم از جهت ظاهری منطقه حاصل‌خیز و پربرکتی است (جوادی آملی، عبدالله، 1387، ج 4: 577). در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره آمده: «وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا؛ و [نیز به یاد آرید] هنگامی را که گفتیم: بدین شهر در آئید و از هر کجای آن خواستید فراوان بخورید...» (بقره / 58).

ظاهر آیه دلالت دارد بر اینکه مراد بیت‌المقدس است (فضل‌الله، 1419 ق، ج 2: 57) و علامه طبرسی بر اینکه مراد از قریه در اینجا بیت‌المقدس است، قائل به اجماع مفسرین است (طبرسی، 1372، ج 2: 247).

قریه بر شهر نیز اطلاق می‌شود. از بررسی کلمات لغویان و موارد کاربرد واژه‌ی قریه در قرآن کریم (بیش از پنجاه مورد) اطمینان حاصل می‌شود که آنچه در واژه‌ی قریه ملحوظ است، مطلق عمران و آبادی ظاهری و مادی است (جوادی آملی، 1387، ج 4: 533).

4. قبله‌ی نخست مسلمانان

در میان مسلمانان مشهور است که قدس قبله‌ی اول پیامبر (ص) و مسلمانان بوده است و در مدینه اثر باستانی بارزی است که این جریان را تأیید می‌کند و آن مسجد قبلتین است که مسلمانان در آنجا قسمتی از نماز را به طرف قدس و بقیه‌اش را به طرف مکه ادا کردند و این مسجد هنوز هم پابرجاست (قرضاوی، 1381: 14). یهودیان به خاطر این تغییر و تحوّل، غوغای بزرگی در مدینه ایجاد کردند که قرآن پاسخشان را داد: «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ

النَّاسِ مَا وَلَّيْتُهُمْ عَنْ قِبَلْتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ: به‌زودی مردم کم‌خرد خواهند گفت: چه چیز آنان را از قبله‌ای که بر آن بودند، رویگردان کرد؟! بگو: مشرق و مغرب از آن خداست، هر که را خواهد به راه راست هدایت می‌کند * و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی، مقرر نکردیم جز برای اینکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند، از آن کس که از عقیده‌ی خود برمی‌گردد، بازشناسیم و البته [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده، سخت‌گرا بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند؛ زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است» (بقره / 142-143).

چنانکه ملاحظه می‌شود، خداوند در این آیات، نمازهای به طرفِ قدس را درست و پسندیده اعلام نموده است (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ).

5. مسکن صدق

«وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صِدْقٍ: به‌راستی ما فرزندان اسرائیل را در جایگاه‌های [نیکو منزل دادیم و ...]» (یونس / 93).

جمله‌ی «مُبَوَّأً صِدْقٍ» دلالت دارد بر اینکه خدای سبحان بنی‌اسرائیل را در مسکنی سُکنی داد که در آن، آنچه انسان از مسکن انتظار دارد، موجود بوده است. یک انسان از مسکن مطلوب و مرغوب این را می‌خواهد که آب و هوای خوبی داشته باشد و سرزمینش پُر از برکات و دارای وفور نعمت باشد و بتواند در آن استقرار یابد و آن مسکن

عبارت بود از نواحی بیت المقدس و شام که خدای - عزوجل - بنی اسرائیل را در آنجا سکنی داد و آن را سرزمین مقدس و نیز سرزمین مبارک نام نهاد (طباطبایی، 1374، ج 10: 177).

مرحوم طبرسی می‌فرماید: «منظور سرزمین شام و بیت المقدس می‌باشد و اینکه آن را جایگاه صدق نامیده است، بدین مناسبت بوده که برتری و فضیلت آنجا بر سایر جایگاه‌ها چون برتری و فضیلت صدق و راستی بر دروغ و نادرستی است» (طبرسی، 1372، ج 11: 353).

6. سرزمین معراج و اسراء

در قرآن کریم، قدس، آخرین ایستگاه زمینی پیامبر (ص) و مبدأ سفر آسمانی معراج است. در سوره‌ی اسراء آمده است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ: منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجدالحرام به سوی مسجدالأقصى - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد، تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست» (اسراء / 1).

سفر پیامبر (ص) از مکه و حرم که سراسر مسجد است، آغاز شد؛ چه از خود مسجدالحرام آغاز شده باشد، چه از منزل أمّ هانی. در این آیه مبدأ سیر پیامبر، مسجدالحرام و پایان آن مسجدالأقصى، یعنی بیت المقدس شمرده شده است. علت اینکه مسجد مزبور را أقصى گفته‌اند، دوری مسافت آن تا مسجدالحرام است. مسجدالأقصى جائی است که اطراف آن را با برکت ساخته و دارای درختان و میوه‌ها و گیاهان و امنیّت و فراونی نعمت است و احتیاجی نیست که نیازمندی‌های مردم از جاهای دیگر تأمین شود. مقصود از بردن پیامبر این بود که دلیل شگفتی‌های دلایل ما را بنگرد» (طبرسی، 1372، ج 14: 84).

این مسئله، یعنی اسراء، مقدمه‌ای برای معراج بوده است. معراج دو مرحله داشته است:

مرحله‌ی زمینی از مسجدالحرام به مسجدالأقصی و مرحله‌ی آسمانی از مسجدالأقصی به آسمان. در آیات سوره‌ی نجم که به مرحله‌ی دوم معراج اشاره می‌فرماید، می‌خوانیم: « وَ لَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى * عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى * إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى * مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَعَى * لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى » (نجم / 13-18).

خلاصه‌ی مفاد این شش آیه چنین است که پیامبر برای دومین بار فرشته‌ی وحی را به صورت اصلی مشاهده و ملاقات کرد (مکارم شیرازی، 1374، ج 12: 12).

هـ) نتیجه‌گیری نهایی

مطالعه‌ی کتاب‌های مقدّس نشان می‌دهد که اولاً قُدس مطمح نظر این کُتب بوده است، ثانیاً جایگاهی دینی برای آن فرض شده است. در زیر برخی از اشتراکات و افتراضات این کُتب در این موضوع یاد می‌شود:

- 1- هر سه کتاب یادشده بر شهر عبادت‌بودن قُدس تأکید دارند، با این تفاوت که در عهد قدیم بر اورشلیم زمینی تأکید دارد و عهد جدید، اورشلیم آسمانی را هدف می‌داند و اورشلیم زمینی صرفاً جهت فهم اورشلیم آسمانی است. قرآن کریم نیز بر عبادتگاه بودن و شهر انبیاءبودن آن تأکید دارد. علاوه‌برآن، قرآن بر قبله‌گاه بودن قُدس صراحت دارد؛ ولی در عهدین هیچ نشانی از قبله بودن قُدس نمی‌باشد.
- 2- قرآن کریم بر سرزمین و اسراء و معراج دلالت دارد؛ به‌طوری که سفر سرزمینی معراج به بیت‌المقدّس ختم می‌شود و بیت‌المقدّس مبدأ سفر آسمانی است که این مطلب در عهدین نیامده است.
- 3- قرآن کریم بر آبادانی و پُرونق‌بودن قُدس دلالت دارد و از خرابی و ویرانی آن سخن به‌میان نیاورده است، درحالی‌که در عهد قدیم هم تأکید بر آبادانی و هم بر خرابی و ویرانی شهر است و در عهد جدید سخن از آینده‌ی شوم آن است.

4- در عهد قدیم و قرآن بر مبارک بودن و پُربرکت بودن این سرزمین سخن به میان آمده است، در حالی که در عهد جدید سخنی از آن نیست و برخلاف این دیدگاه، عهد جدید، این شهر را با وصف پیامبرش ذکر می‌کند.

5- در عهد قدیم، این شهر، شهر آخرالزمان و شهر پادشاهان معرفی می‌شود، به طوری که برای اولین بار داود پادشاه آن را تصرف می‌نماید؛ ولی قرآن آن را شهر انبیاء معرفی می‌کند، به طوری که در ذکر این شهر، همیشه سخن همراه با ذکر داستان پیامبران است.

در پایان، نگاه عهد قدیم به قدس (اورشلیم) نگاهی حدوداً مثبت (گاهی همراه با مذمت) و نگاه عهد جدید، نگاهی حدوداً منفی است؛ ولی قرآن نگاهی کاملاً مثبت همراه با توصیف بیشتر دارد، در واقع قرآن، قدسیت کامل برای این شهر قائل شده است و رعایت حق این شهر را مورد تأکید قرار می‌دهد، در حالی که عهد قدیم به نسبت با قرآن، قداست کمتری برای آن قائل شده و حق این شهر را چنانچه شایسته‌ی آن است، رعایت نکرده است و از طرفی عهد جدید در کمال بی‌توجهی به این شهر است و هیچ شأن خاصی برای آن جز نکوهش ذکر نکرده است، می‌توان نتیجه گرفت که در مناقشه‌ی بیروان این سه کتاب مقدس باید به کسانی حق داد که شأن کامل و تمام برای این شهر قائلند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

عهد قدیم (با ترجمه‌ی انجمن کتاب مقدس).

عهد جدید (با ترجمه‌ی هزاره‌ی نو).

آلوسی، محمود. 1415 ق. روح المعانی بیروت: دارالکتب.

- انطوان ضو. 2000 م.). *مقالة العرب و القدس؛ بحوث ندوة القدس*. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- جوادی آملی، عبدالله. 1378). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم ویرایش علی اسلامی*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حمیدی، سید جعفر. 1388). *تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)* چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- حویزی عروسی، عبدعلین جمعه. 1415 ق.). *تفسیر نور الثقلین* قم: انتشارات اسماعیلیان.
- دائرة المعارف الکتبیه* (1996 م.). الطبعة الثانية. قاهره: دارالثقافة.
- دائرة المعارف کتاب مقدس* (1381). چاپ اول. تهران: انتشارات سرخدار.
- شمس‌الدین سیوطی، ابی عبدالله. 1426 ق.). *المنهاجی*. تحقیق احمد رمضان احمد. قاهره: دار الكتب و الوثائق القومیة.
- عبدالحمید عراقی، رجا. 2009 م.). *الكافی فی تاریخ القدس*. الطبعة الأولى. دمشق: دار الأوائل.
- طباطبایی، محمدحسین. 1374). *المیزان* ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. 1372 ش)، *مجمع‌البیان* تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر. 1412 ق.). *جامع‌البیان* بیروت. دارالمعرفة.
- فضل‌الله، سید محمدحسین. 1419 ق.). *من وحی القرآن* بیروت: دارالملک الطباعة و النشر.
- فیض کاشانی، ملاحسین. 1415 ق.). *الصافی* تهران: انتشارات الصدر.
- قاموس الكتاب المقدس* (بی تا)، (بی نام) الطبعة الثانية عشر. قاهره: دارالثقافة
- قرضاوی، یوسف. 1381). *قدس آرمان*. ترجمه‌ی محمد ابراهیم ساعدیرودی. تایباد: انتشارات سنت.

کانون یوحناى رسول. (بى تا و بى نام) ریشه‌هاى تاريخى ايمان مسيحى . تهران: پژوهشگاه علوم دينى.

گرلو، پير. (بى تا) مقدمه‌اى بر شناخت كتاب مقدس تهران: كانون يوحناى رسول.
لئون دوفور، گزاويه. (بى تا) فرهنگ الهيات كتاب مقدس تهران: كانون يوحناى رسول.
مكارم شيرازى، ناصر. 1374). تفسير نمونه تهران: دارالمكتبة الإسلامية.
هاكس، جيمز. (1377). قاموس كتاب مقدس چاپ اول. تهران: اساطير.

